

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ مارچ ۲۰۱۸

دولت دست نشاندہ و دروغهایش

چهارشنبه- ۰۸ حمل ۱۳۹۷ - کابل: در روز های اخیر به موازات شکست های پیهم و افتضاح آمیز دولت دست نشاندہ در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، اداری، سیاسی، نظامی و فرهنگی، رسانه های مزدور و جیره خوار خوان امپریالیسم، تلاش می ورزند تا گذشته از آن که آن شکست ها را به مثابه پیروزی به خورد مردم دهند، با بزرگمائی برخی از تلاش های بین المللی "باندراگ" دم از موفقیت های بزرگ دولت دست نشاندہ در عرصه سیاست خارجی بزنند. آنها نمی خواهند به هیچ وجه نکات آتی را در بحث های شان بگنجانند:

۱- هر اتفاقی که در افغانستان اشغالی می افتد، می خواهد سیاسی باشد یا نظامی، اقتصادی باشد یا فرهنگی، پیروزی باشد یا شکست؛ کلاً ارتباط می گیرد به سیاست کشور های اشغالگر به خصوص امپریالیسم امریکا. در نتیجه دولت دست نشاندہ به مثابه عامل اجرائی آن سیاست ها از خود هیچ دستاوردی ندارد تا رسانه ها از آن یاد نمایند.

۲- هر تغییر و تحولی که در عرصه نظامی به نفع این و یا آن گروه به وجود می آید، تأثیر مستقیم آن تغییر را می توان در سایر مناسبات نیز مشاهده نمود. در نتیجه نمی توان از موفقیت های سیاسی دولت دست نشاندہ چیزی گفت، در حالی که روز تاروز زمین زیر پایش را از دست می دهد.

۳- رسانه ها از قول خبرنگاران و به اصطلاح سیاستمداران افغانستان، بدون انقطاع از تجرید پاکستان در عرصه جهانی دم زده، آن را به مثابه دست آورد دولت دست نشاندہ به مردم افغانستان حقنه می کنند، آنچه در این میان نمی خواهند خواننده بداند این است که چنین وضعیتی بیشتر از آن که مبین تجرید جهانی پاکستان باشد، تسریع حرکت پاکستان به سمت رقبای بین المللی و منطقه ئی امپریالیسم غرب که گویا به نفع افغانستان در صد تجرید پاکستان اند، می باشد. سند این چرخش و بی اعتباری ادعای تجرید، روابط فوق حسنه پاکستان با کشور های چین، روسیه، ایران، ترکیه، سوریه، عراق و قطر است.

۴- رسانه ها از بام تا شام از موفقیت های نظامی دولت دست نشاندہ علیه رقبای قدرت آن به خصوص طالب دم می زنند، در حالی که قضیه چنین نیست، زیرا:

الف- وقتی از لحاظ نظامی به قضیه نگریسته شود و بخواهیم طالب و توانمندی های نظامی اش را بین اوایل سال ۲۰۰۲ و اکنون یعنی زمان سقوط رژیم طالبان و اینک مقایسه نمایم می بینیم که خلاف آنروز که تمام کره زمین برای

طالب کوچکی می نمود و همان اصطلاح "زمین سخت و آسمان دور" در مورد شان صدق می نمود، به اعتراف نیروهای اشغالگر اکنون بیش از ۴۰ درصد خاک افغانستان را در اداره خود دارند.

ب- نظامی که از لحاظ سیاسی مردم را چنان به جان رسانیده بودند، که به گفته آقای "موسوی" سگ پرست شده، می گفتند "سگ بیاید مگر طالب برود"، اینک روی ده ها دلیل اوضاع به قدری تغییر نموده که شنیده می شود در برخی از مناطق این مردم هستند که از جبر و ظلم دولت دست نشانده و ایادی آن به طالب مراجعه می نمایند. "باندارگ" به خصوص "غنی احمدزی" با درک همین وضعیت، عاجزانه دست دوستی به طرف طالب دراز نموده است تا مگر به نیروی طالب، حاکمیت دست نشانده را مستحکم سازد.

پ- در حالی که در آغاز تهاجم اشغالگرانه امریکا و شرکاء بر افغانستان، هیچ کشور و نیروئی نه تنها در عمل حاضر نبود، به حمایت از طالب اقدام نماید، بلکه از لحاظ نظری نیز هیچ یک نمی خواست خود را به گلیم بیمار و مندرس طالب ببیچاند، امروز گذشته از پاکستان به مثابه خالق و حامی اولی آن، ایران، چین و روسیه علنی و مخفی به حمایت از آن اقدام مقتضی می نمایند.

با در نظر داشت نکات تذکار یافته و ده ها مورد دیگر هنوز هم دم زدن از پیروزی های دولت دست نشانده، گذشته از مردم فریبی و خاک به چشم مردم زدن، نوعی از خود فریبی را می رساند. با ادامه این روند:

دیده شود چه می شود!!